وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
پاکستان وافغانستان هیچ کدام نمی تواند بی نیاز از دیگری باشد
ص۲

عراق از بازی ژئوپولیتیک تا لبهٔ سقوط
ص۶

بیچاره استاد سیاف!
ص۵

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ پانزدهم | چهارشنبه ۲۴ سرطان ۱۳۸۳ | ۲۷ جمادی الأول ۱۴۲۵ - 14 July 2004

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان

در مورد تأخیر انتخابات پارلمانی

دفتر مشترک تنظیم انتخابات طی اعلامیه یی به تاریخ ۱۹ سرطان، زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را به صورت دقیق ۱۸ میزان وانتخابات پارلمانی را در ماه ثور سال آینده اعلام داشته است.

این تصمیم، تخطی آشکار از حکم مادهٔ یکصدوشصتم قانون اساسی کشور است که می گوید:
«... کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور وشورای ملی باهم در یک وقت صورت بگیرد...»

وعلاوه بر آن دولت را نظر به دلایل ذیل با بحران مشروعیت مواجه خواهد ساخت:
۱- برای مدت هفت ماه دیگر یعنی بیشتر از عمر ادارهٔ مؤقت، کشور ما بدون پارلمان خواهد ماند.
۲- تاهفت ماه دیگر، حکومت منتخب و مورد تأیید ولسی جرگه نخواهیم داشت.
۳- قوهٔ قضائیه طرف تأیید ولسی جرگه تشکیل نخواهد شد.
٤- شش بند از بیست ویک بند مادهٔ ٦٤ قانون اساسی که صلاحیت های رئیس جمهور را مشروط ومقید به تأیید ولسی جرگه ویا شورای ملی نموده است، عملی نخواهد بود.

همچنین هزینهٔ گزاف هر انتخابات موضوع مهم دیگری است که در این شرایط دشوار، نمی توان آن را نادیده گرفت.

جمعیت اسلامی افغانستان این تصمیم دفتر مشترک تنظیم انتخابات را مخالف اصول وارزش های پذیرفته شدهٔ دموکراسی می داند؛ زیرا فقط با انتخابات ریاست جمهوری نمی توان دموکراسی را به نمایش گذاشت وادعای مردم سالاری نمود! و ناممکن است که در نبود پارلمان، به بحران مشروعیت پایان داد.

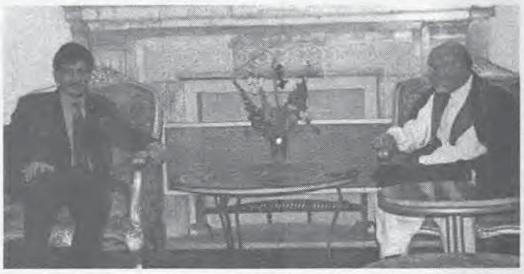
دغدغه ونگرانی ما این است که باهمچو اقدامات و دوام فضای عدم اطمینان ونا باوری، انتخابات ریاست جمهوری نیز به صورت شایسته برگزار نخواهد شد و با بی علاقگی مردم مواجه خواهد گردید.

جمعیت اسلامی افغانستان قاطعانه می طلبد که دفتر مشترک تنظیم انتخابات در این مورد تجدید نظر نماید تا با برگزاری همزمان هر دو انتخابات از یک سو دولت از بحران مشروعیت نجات یابد و از سوی دیگر مردم ما به تعهد مراجع ذیربط در تحقق دموکراسی، حقوق مردم وایجاد جامعهٔ مدنی اعتماد واطمینان داشته باشند.

دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان

وزیر داخلهٔ پاکستان:

پاکستان اجازه نمی دهد که فعالیت تخریبی علیه افغانستان سازماندهی گردد



فیصل صالح حیات وزیر امور داخلهٔ پاکستان جهت انجام مذاکراتی با مقامات افغانستان روز دو شنبه ۲۲ سرطان وارد افغانستان گردید. نامبرده در مذاکراتی که با آقای حامد کرزی انجام داد بیشتر روی مبارزه با تروریسم تأکید کرد. و یکبار دیگر از آمادگی کشورش در مبارزه علیه تروریزم سخن زد: مقامات افغانستان مبنی بر شواهد و مدارکی که طی عملیات نظامی در ساحات جنوب و شرق افغانستان به دست آمده اظهار داشته اند که هنوز مراکز تربیهٔ تروریست ها در مناطق قبایلی وجود دارد. عملیات نیروهای نظامی پاکستان که چندی قبل در مناطق قبایلی انجام شد خود تأیید کنندهٔ موجودیت چنین مراکز می باشد.

همچنان وزیر داخلهٔ پاکستان در مذاکرات خود با آقای جلالی در مورد مبارزه علیه تروریسم ، قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان یافته صحبت نمود. در این مذاکرات روی مسائل مهاجرین افغانی نیز بحث صورت گرفت وهمچنان در مورد تبادل اطلاعات امنیتی توافقی میان دو جانب به عمل آمد وزیر داخلهٔ افغانستان پس از انجام مذاکره با وزیر داخلهٔ پاکستان در یک کنفرانس خبری مشترک صرف یاد آور گردید که نتایج مذاکرات سودمند بوده است همچنان وی گفت جانب پاکستان اطمینان داده است که پاکستان دیگر اجازه نمی دهد هیچ نوع فعالیتی تخریبی از خاک پاکستان علیه افغانستان سازماندهی گردد.

در این سفر وزیر داخلهٔ پاکستان را چهار تن از اعضای پارلمان آن کشور همراهی می کردند.

مجاهدین گذار از تنظیم های جهادی به احزاب سیاسی

ص۲

ابهاماتی در مورد

دورهٔ انتقال دولت انتقالی و جمهوری اسلامی

محمدنسیم فقیری

دفتر مشترک تنظیم انتخابات طی اعلامیه یی به تاریخ ۱۹ سرطان، زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را به صورت دقیق ۱۸ میزان وانتخابات پارلمانی را در ماه ثور سال آینده، اعلام داشت.

بدین ترتیب انتخابات پارلمانی حدود هفت ماه بعد از انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد شد و در طول این مدت- که بیشتر از زمان ادارهٔ مؤقت به درازا می کشد- ما یک رئیس جمهور منتخب خواهیم داشت ولی از وجود پارلمان منتخب مردم محروم خواهیم بود!

مادهٔ یکصد وشصتم قانون اساسی می گوید:
«...کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور وشورای ملی با هم دریک وقت صورت بگیرد...»

با تأسف که حین استناد به مواد قانون اساسی، ناگزیریم تا به نارسایی های کلمات وجملات آن نیز اشاره نماییم و در این مورد شایسته بود تا به جای«انتخابات رئیس جمهور» کلمات «انتخابات ریاست جهموری» و یا انتخاب رئیس جمهور» به کار می رفت...

گرچه همزمانی در انتخابات، و وجود رئیس جمهور و پارلمان منتخب، در رفع بسی از ایرادها و ابهامات کمک می کرد ولی با آنهم ابهاماتی وجود داشت- واکنون دارد

ص۷

سفر شیخ یوسف قرضاوی به لندن درمیان استقبال گرم و مخالفت برخی از مطبوعات



شیخ قرضاوی دانشمند پر آوازهٔ جهان اسلام اوائل این هفته به لندن سفر نمود مورد استقبال گرم مسلمانان آنجا وعده یی از دانشمندان اعتدال گرای انگلیس قرار گرفت. در حالی که شماری از مطبوعات طرفدار اسرائیل با سفر وی مخالفت کرد. وی طی مصاحبه ها وسخنرانی هایی نظریات خویش را در موضوعات گوناگون بیان داشت. از جمله وی در پهلوی تأکید بر سازگاری مهاجران مسلمان با جوامع میزبان، ضرورت مخالفت باموارد آشکار آموزه های دینی مانند شذود جنسی را که در مسیحیت نیز گناه است، خاطر نشان ساخت.

وی اتهامات مبنی بر افراطی گری دینی را که برخی روزنامه ها به وی نسبت داده بودند رد نمود و آن را یک نوع فهم نادرست از نظریات خویش دانست.

شیخ قرضاوی در مورد حملات فدائیان فلسطینی علیه صهیونست ها نیز ابراز نظر نمود و آن را سلاح ضعیفان خواند. وی افزود این سلاحی است که خداوند به طرف ضعیف بخشیده ونیروی غالب را از آن محروم ساخته است.

یوسف قرضاوی که در سال ۱۹۲۶ در غرب مصر به دنیا آمد در ده سالگی قرآن را حفظ نمود وبعد از فراغت در ۱۹۵۳ از دانشگاه ازهر، مدتی در آن دانشگاه کرسی استادی داشت وسپس به قطر انتقال یافت و در آنجا مشغول تدریس وتحقیق گردید. قرضاوی تاکنون بیش از صد کتاب تألیف نموده است.

ص۵

یک طرح برای آبادی سریع شهر کابل

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

پاکستان وافغانستان هیچ کدام نمی تواند بی نیاز از دیگری باشد

وزیر داخلهٔ پاکستان فیصل صالح حیات روز دوشنبه ۲۲ سرطان در رأس یک هیأت بلند پایه که چهار تن از نمایندگان پارلمان آن کشور را نیز شامل می شد وارد کابل گردید. این هیأت در دو دیدار جداگانه با رئیس دولت و وزیر داخلهٔ افغانستان مسائل بسیار مهم مورد توجه دوکشور مانند مسائل امنیتی و مبارزه با تروریسم وجنایات سازمان یافته و آموزش نیروهای پلیس افغانستان توسط کشور پاکستان وموضوع مهاجران افغانستان در آن کشور را مورد بحث قرار داد.

با آن که پاکستان دراز ترین مرز با افغانستان را دارد و در دوران جهاد رهایی بخش مردم افغانستان حامی عمدهٔ آنان به شمار می رفت وبیشترین بار جهاد وفشار مهاجران را برداشته بود و در شرایط کنونی در مبارزه برضد تروریسم با آن شریک است، نظر به برخی از کشورهای دیگر در عرصهٔ بازسازی واجتماعی افغانستان چندان حضوری فعال ندارد.

این عدم حضور فعال پاکستان درعرصهٔ بازسازی افغانستان بیشترینه به سیاست های پیش از تحول پسین افغانستان در بعد از سقوط نظام طالبان بر می گردد. پاکستان در دوران حاکمیت استبدادی رژیم طالبان یکی از چند کشور معدودی بود که حکومت طالبان را به رسمیت می شناختند وطالبان از حمایت های بی دریغ پاکستان در همهٔ عرصه ها بهره مند بود. این سیاست پاکستان هم برای خود آن کشور وهم برای افغانستان زیانهایی بار آورد که نه تنها از دید سیاستمداران و آگاهان این دو کشور که در بسیاری از موارد از دید آحاد مردمان آنها هم پنهان نیست.

با این حال پاکستان وافغانستان به سان دو همسایهٔ در به دیوار هرگز نمی توانند از یکدیگر بی نیاز باشند ومی توانند با یاری رسانیدن به یکدیگر فضای تفاهم و دوستی آسیب دیده را بازیابند ویخ های تیرگی روابط میان دو کشور را در آفتاب مهر ورزیدن به هم آب کنند. شاید با این تجربهٔ انسانی به حل بسیاری از معضل هایی برسند که با پیش گرفتن سیاست های متکی به قهر در طی چندین دهه به آنها دست نیافته اند.

انسانها و دولتها می توانند اشتباهات پیشین خود را باکارهای نیکو تصحیح کنند و پافشاری بر خطاهای پیشین است که راه را به سوی پیشرفت می بندد.

این مأمول زمانی بر آورده می گردد که مباحثات هیأت های پاکستان وافغانستان از سطح تعارف های معمول دیپلوماسی به عمق مسائل بحث طلب میان دوکشور نفوذ کند.

مجاهدین
گذار از تنظیم های جهادی به احزاب سیاسی
۲

محمدنسیم فقیری

در آستانهٔ سقوط رژیم نجیب وپیروزی مجاهدین، مولوی منصور نیز به حرکت انقلاب مولوی محمدنبی پیوست وبدین صورت در آن زمان(۱۳۷۱) تنظیم های جهادی ذیل-صرف نظر از کمیت وکیفیت- وجود داشتند:

۱- جمعیت اسلامی افغانستان
۲- اتحاد اسلامی افغانستان
۳- حرکت انقلاب افغانستان
۴- حزب اسلامی افغانستان – حکمتیار
۵- حزب اسلامی افغانستان – خالص
۶- جبههٔ ملی نجات افغانستان
۷- محاذ ملی اسلامی افغانستان

طوری که گفته شد، به دلیل عدم رسمیت احزاب، ما شاهد احزاب سیاسی -به ویژه اسلام گرا- در دوران های قبل نبوده ایم ولی علاوه بر نهضت اسلامی جوانان مسلمان در سال آخر رژیم سلطنتی، جمعیت العلمای محمدی تحت رهبری صبغت الله مجددی نیز تشکیل یافته بود و مولوی خالص ومولوی محمدنبی محمدی ومولوی منصور نیز ادعا داشتند که در گروه هایی تحت نام«خدام الفرقان»، «توابین» و... در زمان ظاهر شاهی فعالیت می کرده اند...

تنظیم های جهادی یی که بدین صورت به میان آمدند-صرف نظر از نقاط مثبت ومنفی وقوت وضعف آنان- همه در جهاد عظیم وشکوهمند مردم افغانستان-به درجات متفاوت- نقش رهبری کننده داشته اند وزحمات زیادی را متقبل گردیده اند ولی به همه حال نظر به دلایل ذیل، احزاب سیاسی نبوده اند:

۱- اکثر تنظیم ها در شرایط جهاد وهجرت به میان آمده بودند و مراکز رهبری شان نیز در محیط های مهاجرت قرار داشت.

۲- در داخل کشور، رژیم

در داخل کشور، رژیم دیکتاتوری واستبدادی با حمایت تجاوز گران خارجی حاکمیت داشت وسیستم یک حزبی- که حتی بر رهبران خویش نیز رحم نمی کرد- توأم بااختناق، زور وخشونت حاکم بود

دیکتاتوری واستبدادی با حمایت تجاوز گران خارجی حاکمیت داشت وسیستم یک حزبی- که حتی بر رهبران خویش نیز رحم نمی کرد- توأم بااختناق، زور وخشونت حاکم بود. در حالی که احزاب سیاسی باید توسط قانون به رسمیت شناخته شوند و دولت ها نه تنها آنها را تحمل بلکه احترام نمایند.

۳- همه تنظیم ها تقریباً «دارای اصول، اهداف وآجندای واحد بودند که همانا شکست قوای متجاوز شوروی وسرنگونی رژیم دست نشانده آن بود وقسمت اعظم فعالیت ومصروفیت شان را بخش نظامی واکمال وتجهیز مجاهدین تشکیل می داد. بنا بر اولویت جهاد مسلحانه وتجهیز واعزام مجاهدین وتوجه به سنگرهای جهاد، به مسائل تشکیلاتی توجه چندانی نداشتند.

۴- گرچه در تشکیلات مجاهدین و درهمه تنظیم ها یک بخش مهم به نام کمیتهٔ دعوت وتنظیم در کنار کمیته های سیاسی، فرهنگی و... فعالیت می نمود ولی بنا بر اهمیت جهاد مسلحانه وتوجه به امور نظامی بادر نظرداشت فرضیت جهاد ونفیر عام، شرایط عضویت در تنظیم ها بسیار سهل وساده بود و دروازهٔ تشکیلات جهادی به روی همه باز!

۵- اکثر تنظیم های جهادی یا فاقد تشکیلات حزبی وحتی اساسنامه بودند ویا به تطبیق و رعایت آن تمایل چندانی نداشتند وشرایط خاص جهاد وهجرت را بهانه می آوردند! بنا بر این شرایط عضویت، سلسلهٔ مراتب حزبی وشوراها ونهادهای تنظیمی ومراجع تصمیم گیری یا در نظر گرفته نشده بود ویا به آن توجه والتزام صورت نمی گرفت وهمهٔ امور- به ویژه صلاحیت های نظامی، مالی وتعیین مسؤولان کمیته ها- منحصر به شخص رهبر تنظیم بود وهرگز برای انتخاب رهبری و یا شوراهای اجرائیه وعالی، انتخاباتی صورت نگرفته است وتغییر به میان نیامده است! برهمین بنا بود که هر اختلاف نظر به جای حل در داخل تشکیلات و برطبق احکام اساسنامه - هرگاه وجود نیز می داشت - به انشعاب وجدایی منجر شده است!

ولی اکنون و با در نظر داشت شرایط و اوضاع و انفاذ قانون اساسی وقانون احزاب، بایست همه احزاب در چهار چوب تعیین شده توسط قانون، فعالیت نمایند.

احزاب سیاسی طبق حکم مادهٔ سی وپنجم قانون اساسی(فقرهٔ سوم) ومادهٔ ششم قانون احزاب سیاسی(فقرهٔ پنجم) باید اهداف وتشکیلات نظامی وشبه نظامی نداشته باشند.

بنا بر این تنظیم های جهادی در این مرحلهٔ حساس از تاریخ کشور ناگزیرند تا از تنظیم های مسلح جهادی به احزاب سیاسی گذار نمایند وخود را مطابق به آن عیار سازند.

طبق حکم فقرهٔ سوم مادهٔ سیزدهم قانون احزاب سیاسی: قضات، سارنوالان، کادر رهبری قوای مسلح، افسران، خورد ضابطان وافراد نظامی، پلیس ومنسوبان امنیت ملی در دورهٔ تصدی وانجام وظایف شان عضویت حزب سیاسی را کسب نموده نمی توانند وبدون شک که تعداد کثیری ازمنسوبان تنظیم های جهادی در ادارات یاد شده مصروف خدمت اند ونمی توانند که به عضویت احزاب در آیند. درحالی که در تنظیم های جهادی نظامی بودن بسیار مهم و یک امتیاز بود ولی در احزاب سیاسی هرگز!

در این صورت منسوبان تنظیم های جهادی که در ادارات فوق مصرو ف اند، ناگزیرند تا یکی از این دو راه را انتخاب نمایند: عضویت در احزاب و یا خدمت در دولت را!

وتنظیم های جهادی نیز باید طبق قانون احزاب سیاسی ثبت وراجستر گردند ولی متأسفانه تا تحریر این سطور مراحل ثبت وراجستر هیچ کدام آنان به پایان نرسیده ورسماً اجازهٔ فعالیت نیافته اند!

ازمیان تنظیم های جهادی یاد شده: حزب اسلامی حکمتیار تاکنون با دولت موجود مخالف بوده نه قانون اساسی را می پذیرد ونه دولت را، نه انتخابات را قانونی می داند ونه مشارکت سیاسی را وبلکه خواهان مبارزهٔ مسلحانه وسرنگونی دولت کنونی است.

البته تعدادی از بلند پایگان حزب مذکور با سیاست و روش حکمتیار مقاطعه نموده و آمادگی خویش را برای همکاری با دولت اعلام داشته اند.

۲- حزب اسلامی مولوی خالص فعالیت محسوسی نداشته و ناپدید شدن مولوی خالص، وحدس وگمان هایی مبنی بر اسارت وی توسط نیروهای امریکایی، شایعهٔ فتوای جهاد او علیه نیروهای خارجی قوت گرفته بود.گرچه حاجی دین محمد معاون او و والی ننگرهار اعلام جهاد توسط مولوی خالص را رد کرده وگفته بود که او سخت بیمار و ناتوان است واصلاً از حرف زدن بازمانده است!

۳- حرکت انقلاب اسلامی مولوی محمدی که از حامیان اصلی طالبان بود، پس از وفات مولوی محمدنبی محمدی وجانشینی پسرش از دولت موجود حمایت کرده وحاضر به مشارکت سیاسی می باشد ولی اکثر افراد بلند پایه وعلمای مشهور آن تنظیم در خفا به سر برده و از طالبان حمایت می نمایند.

۴- تنظیم های جمعیت، اتحاد، جبهه نجات ومحاذ هر کدام به نوعی با دولت همکاری داشته و آمادهٔ مشارکت در قدرت وانتخابات می باشند.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالی که دارای سابقه وتجربهٔ فعالیت سیاسی از دههٔ دموکراسی بدین سو، یعنی در طی چهار دهه می باشد در سال های جهاد نیز در کنار جهاد مسلحانه به امور سیاسی و فرهنگی بیشتر از دیگران توجه داشته است، اکنون مصروف بازسازی وسازماندهی مجدد می باشد و با تدویر مجمع عمومی که در آن اساسنامهٔ جدید

جمعیت اسلامی افغانستان در حالی که دارای سابقه وتجربهٔ فعالیت سیاسی از دههٔ دموکراسی بدین سو، یعنی در طی چهار دهه می باشد در سال های جهاد نیز در کنار جهاد مسلحانه به امور سیاسی و فرهنگی بیشتر از دیگران توجه داشته است

به تصویب خواهد رسید و رهبر واعضای شورای عالی و شورای رهبری انتخاب خواهند گردید. به حیث یک حزب بزرگ در صحنه های سیاسی وانتخاباتی کشور به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

سیدناصر تقدسی

ضرورت همآهنگی مبارزه با مفاسد

فساد اجتماعی وانحراف اخلاقی در هر شکل وقیافه یی که تبارز کند محکوم است وبایستی جلوش گرفته شود، فساد ومنکر چونان میکروبی کشنده است و در هر چیز وهر سیستمی که نفوذ کند، زمینه های بیماری وتباهی اش را فراهم خواهد کرد، منظور از واژه های فساد ومنکر وانحراف، تمام جرایم اجتماعی است که آثار زیان آورش از شخص مرتکب شونده نیز عبور می کند وبه جامعه می رسد. و ازهمین رو است که خداوند متعال برای سلامتی جامعه وخوشبختی بشر، تمام انواع فساد را نکوهش کرده و از انسان ها خواسته است که از آن برحذر باشند، و افزون بر آن از امت اسلامی مطالبه کرده است: «وباید از شما مسلمانان امتی باشد که خلق را به خیر وصلاح دعوت کنند ومردم را به نیکو کاری امر واز بدکاری نهی کنند».

منکری که باید مردم را از آن نهی کرد عبارت است از: زنا، قتل وسرقت. این ها جرایم اجتماعی اند که هرکدام در کتاب خداوند، حدود خاص خود را دارند. و پروردگار بزرگ با توجه به شناعت وتبعات بدی که این جرایم در جامعه دارند، می فرماید: «وهرگز به عمل زنا نزدیک مشوید که کاری بسیار زشت و راهی ناپسند است».

و در بارهٔ قتل می گوید: «هیچ نفسی را که خدا کشتن آن را حرام گردانیده است مکشید، مگر به حق(به قصاص)».

پس فساد ومنکر یک مفهوم عام است که شامل زنا، سرقت وقتل می گردد. این جرم های سه گانه-گرچه یک نفر آن را مرتکب شود- جرم های شخصی نیستند بلکه جرایم اجتماعی محسوب می گردند، وهرگاه این جرایم در جامعه یی شیوع یابد، به سان موریانه پایه های اساسی خوشبختی و آرامش آن را می خورد و کاخ سعادتش را فرو می ریزد. وما آثار ونتایج زشت این مفاسد را در جامعهٔ خود به چشم سر مشاهده می کنیم ومی بینیم که این جرایم چگونه غوغا برپا کرده و آسایش ملت را برهم زده است.

درست، دیگر گونی های کمتر از سه سال اخیر در کشور، پیامدهایی ناگوار وتأسفبار با خود داشته است، حضور کشورهای مختلف با فرهنگ ها وتقالید ضد اخلاقی، وجود صدها انجوی خارجی با اهداف وپالیسی های مشخص وبر روی هم تلقی نادرست از مقوله های آزادی ودموکراسی، زیرساخت های فرهنگی واخلاقی جامعه را دچار تزلزل کرده است وحیات مردم را به سوی نابودی در حال سوق دادن است، بلند رفتن آمار تجاوز جنسی و عمل ناپسند زنا، اختطاف کودکان، نوشیدن شراب وشیوع دیگر مفاسد اخلاقی در کشور اسلامی افغانستان واقعاً ناراحت کننده است، حادثهٔ فاجعه بار مکروریان که طی آن چهار پسر ویک دختر جوان قربانی شراب نوشی و زنا کاری شدند، تجاوز داوزده نفر پلیس مسلح به یک زن مزاری در ساحهٔ شهر نوکابل که به گفتهٔ دکتران زایشگاه سقط جنین دوماههٔ او را نیز به دنبال داشته است، زنای یک پسر جوان با خواهر عینی خویش و ده ها واقعهٔ دیگری از این دست منتهای فساد اخلاقی واجتماعی در کشور را نشان می دهد وضرورت مبارزه با این مفاسد را جدی تر می سازد.

برچیدن طومار فساد وخشکاندن ریشه های بداخلاقی مستلزم تلاشی همه گیر ومبارزه یی بی امان است که ملت و دولت باید به همکاری وهمسویی یکدیگر، به انجام این رسالت سترگ همت بگمارند

برچیدن طومار فساد وخشکاندن ریشه های بداخلاقی مستلزم تلاشی همه گیر ومبارزه یی بی امان است که ملت و دولت باید به همکاری وهمسویی یکدیگر، به انجام این رسالت سترگ همت بگمارند.

باور این قلم بر آن است که هیچ نهادی به تنهایی خود قادر به سد نمودن سیل توفندهٔ فساد واباحیگری نخواهد بود، بلکه بامشارکت همه نهادها وجریان های فرهنگی واجتماعی اعم از دولتی وغیر دولتی وبا سهم گیری فعال مردم می توان چنین مأمولی را تحقق بخشید و در برابر موج فساد ایستادگی کرد. بنا بر این وظیفهٔ عامهٔ مردم، همکاری با دولت درجهت مهار کردن فساد ومعرفی افراد بداخلاق ومفسد به مراجع قانونی است، وظیفهٔ خانواده ها تربیت سالم اعضای خویش وتوصیهٔ آنان به انجام کارهای نیکو ورعایت فضایل اخلاقی، وظیفهٔ علمای دین دعوت مردم به سوی تقوا وفضیلت وپرهیز از رذایل وناشایستگی ها و رویهمرفته ملکفیت دولت در بخش قضا وسارنوالی مجازات قانونی مجرمان، در بخش مطبوعات تبلیغ وترویج سجایای نیک انسانی ومبارزه علیه انتشار مظاهر فاسد وافلام ضداخلاقی، و در بخش معارف وتحصیلات عالی ترغیب دانش آموزان ودانشجویان به حفظ آداب اسلامی ونهادینه کردن حس ایمان داری وانسان دوستی وصداقت در ضمیر و وجدان ایشان است، وبی تردید اگر چنین همآهنگی در سطح نهادهای گونه گون و درمیان دولت وملت برای جلوگیری از فساد ایجاد شود، ما شاهد جامعه یی خوب وانسانی خواهیم بود.

کنفرانس بین المللی خواجه عبیدالله ...

در شمال افغانستان بخصوص میان ترکمن ها توسط خلیفه یا پیرانی که از آسیای میانه مهاجرت نموده اند مانند خلیفهٔ قزیل آیاق ترویج شده بود در قرن نهم هجری به وسیلهٔ سعدالدین کاشغری وعبدالرحمن جامی این طریقه در هرات رواج پیدا کرد وشهر هرات یکی ازمراکز تجمع نقشبندیان گردید. خواجه عبیدالله احرار از متنفذان مشایخ دورهٔ تیموری است. چنان که سلطان ابو سعید تیموری نسبت به عبیدالله احرار نهایت خاکساری می کرد و از غایت نیازمندی، گاهی پیاده در برابر اسپش می رفت، و کمال ارادت به او به جا می آورد.

عبدالرحمن جامی در منقبت او سخنانی دلچسپ دارد و **او را قبلهٔ مقبلان می داند.**

خواجهٔ بندگان کار آگاه
قبلهٔ مقبلان عبیدالله
شاه با کبریا وجاه وجلال
رفت فرسنگها به استقبال
سر به سر در رکاب او بودند
بر رکابش جبین همی سودند
همه آورده از بلندی رای
شرط تعظیم واحترام به جای

در عهد حکومت سلطان احمد میرزا، قدرت نقشبندیان بیشتر گردید، در حقیقت عبیدالله احرار بود که در سمرقند حکومت می کرد. بسیاری از مصالحه ها به وساطت او به وجود می آمد. گاهی دو دشمن را آشتی می داد.

مشایخ نقشبندی آمیزش باسلاطین را نیکو می دانستند؛ زیرا در نتیجهٔ این تماس ها مردم از جور وستم این سلاطین نجات می یافتند. به عقیدهٔ احرار ولی، باید نفوس سلاطین را در جهت خدمت به مردم تسخیر کرد. از جمله خواجه احرار از امیر تیموری خواست تا مالیات و عوارض سمرقند وبخارا را ببخشد و او هم پذیرفت.

خواجه احرار اصطلاحات صوفیانه وپاره یی از مصطلحات یازده گانه را تفسیر نموده است. به رنگ نمونه در مورد مفهوم سفر در وطن می گوید: در سفر مبتدی را خبر پریشانی هیچ حاصل نیست، سفر وقتی مبارک است که صفت تمکین در آن حاصل آمده باشد، یعنی مبتدی را سفر مناسب نیست، تا وقتی که به اسرار این سفر وقوف حاصل گردد. او، موقف قلبی را آگاهی و حاضر بودن دل می داند به سبحانه وتعالی. در مجموع حاصل این طریقه نزد خواجه احرار، دوام حضور و آگاهی است بر حضرت الهی.

در عهد حکومت سلطان احمد میرزا، قدرت نقشبندیان بیشتر گردید، در حقیقت عبیدالله احرار بود که در سمرقند حکومت می کرد. بسیاری از مصالحه ها به وساطت او به وجود می آمد. گاهی دو دشمن را آشتی می داد. مشایخ نقشبندی آمیزش باسلاطین را نیکو می دانستند؛ زیرا در نتیجهٔ این تماس ها مردم از جور وستم این سلاطین نجات می یافتند

در این کنفرانس تنی چند از دانشمندان کشورهای افغانستان امریکا، ایران، هند، ازبیکستان وسایر کشورهای آسیای میانه اشتراک ورزیده بودند. از افغانستان استادان ذیل از دانشگاه کابل اشتراک نموده بودند:

پوهاند دکتر عبدالقیوم قویم
پوهنوال دکتر محمدافضل بنوال
پوهندوی عبدالعلی کوهی
پوهنیار سیدعارف

قرار است مقالات ارائه شده در این کنفرانس، در یک مجموعه از سوی اکادمی علوم تاجیکستان به چاپ برسد.

در حاشیهٔ کنفرانس، خبرنگاران رسانه های جمعی داخلی وخارجی پیرامون جریان سمینار وموضوعات ارائه شده با استادان دانشگاه کابل مصاحبه هایی انجام دادند که از طریق رادیو وتلویزیون تاجیکستان، رادیو دری امریکا، وصدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران به نشر رسید. در ختم کار کنفرانس بر استمرار و دوام چنین همایش ها بین کشورهای منطقه وتبادل تجارب علمی وفرهنگی تأکید به عمل آمد که از جانب هیأت افغانی محترم پروفیسور قویم بر تقویت وهمکاری بیشتر فرهنگی، علمی وپژوهشی تأکید نمود. سه تن از استادان دانشگاه کابل هر یک: پوهاند قویم، پیرامون سیمای خواجه عبیدالله احرار در آثار جامی، محترم پوهنوال بنو وال در بارهٔ عرفان خواجه احرار ونویسندهٔ این سطور در مورد طریقهٔ نقشبندیه وخواجه احرار صحبت کردند.

در این کنفرانس ابعاد مختلف شخصیت خواجه احرار ولی ونقش وی در تصوف وانتشار عرفان اسلامی در آسیای میانه به بررسی گرفته شد.

جوهر شب

واصف باختری

شب از دیار شبیخونیان گذر می کرد
کنار ایوان فانوس کوچکی می سوخت
ودرهجوم هجا های تازیانهٔ باد
زنی به گریه سخن می گفت
ازآن پرندهٔ بی باز گشت جنگل رگبار

●●●

پرنده یی که از آن اوج، اوج جوهر شب
صدای رویش زرد گیاه فاجعه را
شنفت وگفت به دریا، به کوه وجنگل ودشت
پرنده یی که از آن اوج ، اوج جوهر شب
سوار هودج باران، سوار بارهٔ باد
به پاسداری خواب جوانه ها میرفت

●●●

پرنده یی که از آن اوج، اوج جوهر شب
غریو برمیداشت
آیا چکاوکها!
قراولان خوابند
گشاده بالتر از باد های سرگردان
زآشیانهٔ خونین خود فرود آیید
که زهر حادثه را در گلوی شب ریزیم
جودانه دانهٔ باران به روی شب ریزیم
زبام سرخ شقایق به کوی شب ریزیم
برآستان شفق آبروی شب ریزیم

xxx

پرنده یی که دران اوج، اوج جوهر شب
به سوگواری هرشاخه کزتگرگ شکست
زخود رها شد وسرزیر پر نهفت وگریست
کجاست آن نفس جنگل از صدایش سبز؟

●●●

شب از دیار شبیخونیان گذر میکرد
کنار ایوان فانوس کوچکی میسوخت
ودرهجوم هجا های تازیانهٔ باد
زنی به گریه سخن میگفت
ازآن پرندهٔ بی باز گشت جنگل رگبار
.... و من گریسته بودم

۸ جدی

دلنډي تاريخي او فلکوريک څرنګوالي

زيارمل

لنډۍ په ولسي ادبياتو کي هغه فورم دي چي د اولس بي نومه او بي نښانه شاعر په کي په دي بريالي شوي دي چي دانساني ټولنو تر ټولو عالي شيبي په کي په دوو نامتوازنو بيتونو کي په ايجاز بيان او تصوير کړي لکه دالنډي:

چي دخالو لښــــــــــکري راغلي
زه به ګومل ته دخپل يار ديدن ته ځمه

پورتني لنډۍ استاد مرحوم پوهاند عبدالحي حبيبي له هغي تاريخي پيښي سره تطبيق کړي چي زرکلن عمر لري، او دپنځمي پيړۍ په لومړيو وختونو کي ويل شوي ده، ګومل د «روه» دغرونو په لړۍ کي يوه مشهوره دره ده چي دوخت دهند دفاتحانو لاره وه، او ملک خالو دسلطان محمود غزنوي په زمانه کي دپښتو، له نامتو سردارانو څخه دي چي «خورشيد جهان» او دسعادت خان تور ترين «فضايل السعادت» هم دده نوم دهغه عصر دلويو سردارانو په ټولي کي ښودلي دي.

له پورتني سند څخه ثابته شوه چي لنډۍ زرکاله مخکي هم موجوديت درلوده.

ښائي له دي لنډي نه مخکي ډيري نوري لندي هم ويل شوي وي، چي ډير تاريخي اسناد به په کي خوندي وو خو اوس د زماني په تيريدو سره زموږ لاس ته نه دي راغلي.

زموږ ټولنه دفيوډالي، اجتماعي، اقتصادي فورماسيون په تاريخي مرحله کي له بودائي او زردشتي دينونو څخه داسلام دين ته راوښتي ده. په همدي اقتصادي، ټولنيز فورماسيون کي دمکتوبي ادبياتو داسي کومه نوعه او مکتب نشته چي ددي مشخصي تاريخي مرحلي له پيل نه دي تر پايه ثابت او بي بدلونه پاتي شي.

دفکلور ټولو برخو، په تيره بيا لنديو، په دي مشخص دوران کي، دپيدايښت له وخته بيا تر نن پوري، ديو روبنائي تابع جز په حيث پرله پسي بدلون موندلي دي. په دي مشخص فورماسيون کي ډيري لنډۍ هست شوي او ډيري له مينځه تللي دي، نوي مضامين او بکر مفاهيم لنډيوته ننوتي او ډير زاړه اصطلاحات، لغات او ژبني علايم له لنډيو څخه لويدلي دي.

د زريني څانګي ليکوال ليکي: تر اوسه پوري ډيره زړه لنډۍ هغه ګڼله کيږي چي يو خيرک پښتو پوه جونز انولډسن ورته متوجي شوي او هغه داده:

سپوږمیــــــــــه سر وهه راخيژه
يار مي دګلو لو کوي ګوتي ريبينه

دي وائي: چي دا لنډۍ دمحتوي له مخي د اريايانو دهغه دود، نه زيږيدلي چي دسپوږمۍ په رڼا کي به ئي دسوما «هوما، اومه، نمه» بوټي ريبل او بيا به ئي دسوما مست شراب تري جوړول او په سيلونو او ميلو کي به ئي څښل. نو خکه دغه لنډۍ دالفاظو تر بدلون پرته په زرګونو کلونه عمر لري.

بايد وويل شي چي لنډۍ دپښتو ژبي د ادبياتو هغه فلکور دي چي په هره يوه کي يوه دنيا حکمت او ښکلا ځليږي او کتابونه کتابونه پري ليکل کيږي لکه په لاندي لنډۍ کي:

ګلان تر خاورو پيدا کيــــــــږي
زما لالي ترګل نازک خاوروته ځينه،

په پورتني لنډۍ

کي که ښه ځير شو، د ژوند فلسفه د ژوند ترڅه خواږه، بقا او پناه ټول تر سترګو کيږي او سړي دنوموړي لنډي د ويونکي فکر ته حيرانيږي چي په څومره مهارت کي څومره لوي مطلب په دغو دوو ناموزونو بيتونو کي سره پيلي دي.

د ليوتو لستوي په خبره «هنر يوه انساني عمليه ده، چي هنرمند ئي په انساني ټولنه کي دخپلو ارزوګانو سره سم داسي ايجاد کړي چي ليدونکي او اوريدونکي ورڅخه همدومره متاثر شي لکه پخپله هنرمند چي و.

زموږ دهيواد د ډيرو څيړونکو په نظر لنډي زياتي دښځو له خوا ويل شوي او څرنګه چي دښځو وينا نارينه و ته ډيره اغيزمنه وه نو خکه ئي خوند د نورو ولسي شعرونو په اندول زيات دي. لنډۍ دشکل له پلوه دوه مسري لري لومړۍ مسره ئي نهه سيلا به او دويمه مسره ئي ديارلس سيلابه ده، او دسيلاب ترڅنګه د ضربي «خنج» رعايت هم په کي ضروري دي. دلنډۍ ټول مفهوم په دغو دوو بيتونو کي پاي ته رسيږي او بيا بلي لنډي ته هيڅ اړتيا نه پيدا کيږي.

او داهم څو خوندوري لنډۍ:

صورت مي خپل واک ئي دبل دي
خاونده واخلي دا بي واکه صورتونه

له مانه ولي مرورئي:
کم عقله ياره په پردي اختيار کي يمه

ابا مي نه درکوي ياره
ماته په لويه لار کي مه ژاړه مينه

پوهندوی عبدالعلی کوهی

گزارشی از
کنفرانس بین المللی خواجه عبیدالله احرار در شهر دوشنبه

کنفرانسی بین المللی به مناسبت ششصدمین سالزاد خواجه عبیدالله احرار ونقش او در تاریخ و فرهنگ آسیای مرکزی که از سوی اکادمی علوم کشور تاجیکستان به تاریخ ۲۹–۳۰ جون۲۰۰۴ در شهر دوشنبه برگزار گردیده بود. به دعوت آنان تنی چند از استادان دانشگاه کابل واکادمی علوم افغانستان اشتراک ورزیده بودند.

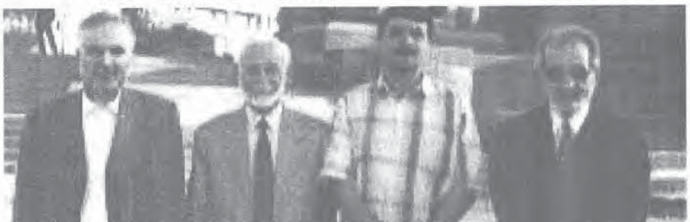
خواجه عبیدالله احرار متولد ۸۰۶ هجری از اکابر عرفان ومشایخ بزرگ خراسان در قرن نهم هجری است. طوری که علی شیر نوایی با خواجه احرار، ارادت داشته ومولانا عبدالرحمن جامی به ارشاد او تحصیل معرفت وتکمیل اصول طریقت نموده است.

خواجه احرار در سال ۸۹۵ هـ به عمر هشتاد ونه سالگی وفات یافت و در سمرقند به خاک سپرده شد.

خواجه احرار یکی از ارکان مهم طریقهٔ نقشبندیه است. این طریقه به وسیلهٔ خواجه بهاء الدین محمد مشهور به «بلاگردان» در قرن هشتم اساس گذاشته شد، و به زودی در ماوراء النهر و خراسان فراگیر شد.

پس از بهاء الدین جانشینان او هریک: علاء الدین عطار متوفی ۸۰۲، محمد پارسا متوفی ۸۹۵، یعقوب چرخی متوفی ۸۱۵ وخواجه احرار متوفی ۸۹۵ بر مسند این طریقت تکیه زدند.

کلمات یازده گانه در طریقت نقشبندیه مشهور است، ریاضت های نقشبندیان براساس این کلمات بنا یافته است. طریقهٔ



(از راست به چپ) پوهنوال بنوال و... پوهاند عبدالقیوم قویم وپوهندوی کوهی استادان فاکولتهٔ زبان وادبیات دانشگاه کابل

نقشبندیه بر ذکر فیض استوار می باشد. هدف این طریقه را همانا پاک کردن قلب از رذایل و بر قراری و دوام حضور تشکیل می دهد. کلمات یازده گانه اینهاست:

هوش دردم، نظر بر قدم، سفر در وطن، خلوت در انجمن، یاد کرد بازگشت، نگاهداشت، یاد داشت، وقوف زمانی، وقوف عددی و وقوف قلبی.

پیرامون هریک از این مقوله ها شرح و تفاسیر متعددی صورت گرفته است که از توان این مقال به دور است، اما آنچه در این طریقه حاکم است همانا میانه روی واعتدال می باشد، این طریقه از شریعت وسنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم پیروی می نماید، به ظاهر باخلق و در باطن با حق می باشد، تساهل وهم نشینی صوفیان نقشبندی با امرا و روحانیان زمان موجب انتشار این طریقه درمیان مردم گردید. میانه روی و التزام آنها به شریعت سبب گردید که بسیاری از عالمان دینی، بدین طریقت بگرایند.

در آغاز صوفیان نقشبندی از بازاریان وپیشه وران بودند و در دوره های بعد طبقات ممتاز جامعه از امیران و روحانیان مقتدر به حلقهٔ نقشبندیان در آمدند. در قرن نهم هجری که بازار این طریقت در خراسان و ماوراء النهر گسترش بیشتر یافت، آنان صوفیان خانقا نشین وگسسته از اجتماع نبودند و در بیشتر ماجراها، جنگ ها ومصالحه ها چهرهٔ نقشبندیان دیده می شود، این طریقه بر مبنای زندگی دسته جمعی در خانقاه ها برگزار می شود، گوشه نشینی وعزلت را نمی پذیرند و ذکر خفی را معمول می دارند، این طریقه ص۳

درسرزمین های دگر

خالده فروغ

خورشید های رفته از اندیشهٔ روز
یکباره پیمودند فرسخ های غربت را
زیبایی آواره است
تاریک ماندن درد جانکاهی است
دربشت روزن های بی نور از دهان اژدهای
روزگار آتش برای سرنوشت دست های نسل فانوس
دزدانه می گیرم
شبنامهٔ آزادی از دیری است
درکوچه ها وخانه هایی که درآن ها
گام نوایی نیست
پخش است
این جا زبان زندگی و اورنه درکار است
درآن الفبای سیاه مرگ تدریجی ترین را
جاگزین کردند
آهسته می خوانم
شعر بلند کاج های درحصار سردگمنامی دنیا را
درسرزمین خواب وخاکستر
حرف از نهالی نیست
درسرزمین های دگر هر نونهال عشق شور
جنگل بشکور دراندیشه دارد
درسرزمین های دگر باران پراز پندار دریاست
درسرزمین های دگر خورشید پابرجاست

بیچاره استاد سیاف!

ابوبکر سبزوار

در کشور ما عده یی از دادن فحش و دشنام به دیگران کسب شخصیت می کنند و به آب ونان می رسند. دراین کشور بی در و دروازه کسی نیست که از چنین آقایان و خانم ها بپرسد که جناب! تو که به عزت و آبروی دیگران تعرض می کنی خودت کیستی و سابقه ات چیست؟

در کشوری که توهین به دین و مقدسات به عنوان آزادی بیان مورد حمایت است، هرکسی که کرسی و مقام خویش را در معرض خطر احساس می کند با صحنه سازی های کاذب و بستن اتهام به مجاهدین در صدد بازیابی مسند خویش برمی آید. روزگاری در محیط هجرت در پاکستان، اگر کسی را گاومیشی هم به شاخ یا لگد می زد، دوان دوان خود را به یکی از سفارت خانه ها می رسانید که ای مردم، به دادم برسید که گلبدین قصد ترور مرا دارد. دشمنی با حزب اسلامی دلیل کیس های پناهندگی بسیاری از کسانی بود که هوای پناهنده شدن در سر داشتند.

روزگاری صاحب این قلم را گذر

باید به آقای مبارز دلداری بدهیم که در مورد استاد سیاف همان اشتباهی را مرتکب شده اند که روزگاری در زندان، یکی از زندانیان جنایی در مورد ایشان مرتکب شده بود

به یکی از تهانه های پیشاور افتاد. جریان از این قرار بود که در روز وفات خان عبدالغفار خان من بی خبر به بازار قصه خوانی رفتم غافل از این که در آن روز گشت و گزار مهاجران به بازار ممنوع بود. وقتی پلیس مرا مانند ده ها تن دیگر به تهانه برد، تهانه دار با خشم به ما گفت: بر ضد لیدر شما گلبدین تنها در همین تهانه بیش از ده «اف آی آر» درج است. معلوم شد که حتی کسانی هم که در تصادم موتر جراحت برداشته «اف آی آر» به نام آن جناب درج کرده اند به این امید که در کیس پناهندگی شان مؤثر افتد!

اکنون که شنیدم آقای مبارز برضد استاد سیاف ادعا دارند که کسانی را غرض ترساندن ایشان به منزل شان فرستاده اند بیاد همان داستان های پیشاور افتادم. اما اگر بپذیریم که واقعا چنین کاری اتفاق افتاده باشد باید به آقای مبارز دلداری بدهیم که در مورد استاد سیاف همان اشتباهی را مرتکب شده اند که روزگاری در زندان، یکی از زندانیان جنایی در مورد ایشان مرتکب شده بود.

یکی از زندانیان جنایی حکایت می کرد که من به جرم جیب بری به زندان افتادم. چند ماهی گذشت تا این که روزی شخصی را به زندان آوردند. قامت بلند او در ذهنم این فکر را به وجود آورد که شاید او چند نفر را کشته ویا سرقت بزرگی را مرتکب شده است. چون خودم یک مجرم جنایی بودم هرکسی را چون خودم گمان می کردم.

آهسته خودم را به نزدیک وی رسانیدم وپرسیدم: وطندار از کجا هستی؟

او در جواب گفت: از پغمان.

چند تن از «زهرخور» های پغمان را نام گرفتم ولی او هیچ کدام را نشناخت با خود گفتم: این شخص، خام به نظر می آید و از وی پرسیدم:

وطندار جرمت چیست؟

او گفت: جرم من سیاسی است.

برایش گفتم: قد و قامت را ببین و جرم را ببین! فکر کردم کسی را کشته یی و یا کدام «دو» کلان را گرفته یی!

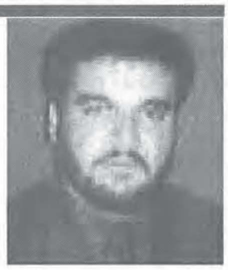
او تبسمی کرد و چیزی نگفت اما هنوز چند روز نگذشته بود که مرا با رفتار خود چنان جذب کرد که همیشه در خدمت او بودم. او به من آموخت که یک مسلمان چگونه باید زندگی کند.

اکنون آقای مبارز هم در نتیجهٔ قیاس به نفس، دچار همان سوء تفاهم در مورد استاد سیاف شده است. اما در این میان نکته یی که قابل توجه است این است که استاد سیاف در برابر حمایت از حکومت آقای کرزی به جای این که تقدیر شود مورد تعزیر و تحقیر قرار می گیرد.

استاد سیاف به خاطر حمایت از کرزی حتی دوست نزدیک و دیرینهٔ خود انجینیر احمدشاه احمدزی را از دست داد و این است جواب دولت کرزی به او. این جریان می تواند مایهٔ خوشحالی همه آنانی باشد که استاد سیاف را به خاطر حمایت از کرزی ملامت می کنند.

باید تحقیق شود که آیا واقعا کسانی به منزل مبارز رفته اند یا خود ایشان با این افواهات می خواهند خود را مهم جلوه دهند. منطقی نیست که هدف تهدید یا کشتن مبارز باشد ولی حمله کنندگان با چنین بی برنامگی عمل کنند و حتی ندانند که مبارز چه ساعتی در خانه است!

یک طرح برای آبادی سریع شهر کابل



پوهنوال دکتر عبیدالله عبید
استاد دانشگاه علوم طبی کابل وعضو منتخب لویه جرگهٔ اضطراری ولویه جرگهٔ تصویب قانون

از سقوط طالبان دونیم سال می گذرد طی این مدت مردم بی صبرانه انتظار داشتند تا در عرصه های مختلف زندگی شاهد دگرگونی هایی عظیم باشند. اگر چه از بسیاری اقدامات و تحولات مثبت در این کشور نمی توان اغماض کرد اما مردم تحولات به میان آمده را ناکافی دانسته وبه تسریع این فرایند تأکید می دارند.

یکی از مشکلات اساسی اجتماعی مردم ما که توجه لازم به آن مبذول نگردیده، زندگی در شهرها از جمله شهر کابل است که بر اثر جنگ های تحمیلی به شهری ویرانه مبدل گردیده و شرایط زندگی برای ساکنان آن مشکل وطاقت فرسا شده است.

برق، آب، جاده، پیاده رو وسرسبزی در شهر وجود ندارد وخشک سالی های اخیر شهرکابل را به یک محل پر از گرد وخاک مبدل نموده است.

ساحهٔ باغ بالا وتپه های زیبای آن خصوصیت تفریحی خویش را از دست داده و درد آور آن که یافتن سبزه در پارک شهرنو یک معجزه است وبرای کودکان بیچاره که مستلزم بیشترین توجه اند، اصلاً جایی برای تفریح وجود ندارد.

زمانی که یک مقدار پول برای مقصدی تخصیص داده می شود، مقداری حیف ومیل و مقداری دیگر کاملاً بی جهت به مصرف می رسد. مثلاً کتاره های فلزی که در سرک سیلو ساخته می شود کاملاً بی مورد است به جای آن بهتر بود دو چاه عمیق حفر می شد وتوسط نلدوانی با سیستم ساده آبیاری میشد وساحه به عوض یک قفسچهٔ آهنی به یک ساحهٔ سبز مبدل می گردید.

اعمار بلند منزل ها در جای پارک ها وجاهای تفریحی مشکل عمدهٔ این شهر می باشد؛ کسب منفعت های شخصی که از اعمار بلند منزل ها توسط افراد زورمند متصور است تمام پلان های خدمات شهری را زیر شعاع قرار داده است.

باشندگان اصلی شهر کابل که با دیو فقر دست وپنجه نرم می کنند بدون خانه وکاشانه به سر می برند، حق داشتن سرپناه از آنان را سلب کرده اند.

واضح است که یک سلسله اقدامات به منظور بهبود امور شهری اجراشده و یا در حال اجرا شدن است اما مسؤولان محترم باید اعتراف نمایند که در امور مربوط به خدمات شهری وتوجه به زیبایی وانتظام شهری کمتر رسیدگی نموده اند وحتی کوچک ترین ابتکاری از خود تبارز نداده اند.در حالی که

یکی از مشکلات اساسی اجتماعی مردم ما که توجه لازم به آن مبذول نگردیده، زندگی در شهرها از جمله شهر کابل است که بر اثر جنگ های تحمیلی به شهری ویرانه مبدل گردیده و شرایط زندگی برای ساکنان آن مشکل وطاقت فرسا شده است

افغانستان در محراق توجه جهانی قرار دارد وکابل به مثابهٔ پایتخت کشور همه روزه میزبان صدها دپلومات بلند رتبه وصدها ژورنالیست خارجی است. آیا با عدم توجه به انتظام امور شهری وعدم توجه به پاکی وصفایی وطراوت شهر، فرهنگ عالی مردم افغانستان را می توانیم به نمایش بگذاریم.

یک نمونهٔ کوچک را مثال می آریم. سه سال از سقوط طالبان می گذرد، اما در این جریان منار سپاهی گمنام که سمبول وحدت ملی وافتخار تاریخی مردم افغانستان است هنوز به شکل خرابه قرار دارد.

به هرحال اخیراً تغییرات وتبدیلاتی در کادر رهبری شهرداری کابل صورت گرفته است که نوید بخش می باشد. اما نکتهٔ قابل توجه آن است که کادر رهبری شهرداری نباید بهبود امور را صرف در تغییر افراد ونصب افراد جدید خلاصه کنند. لازم است در شهرداری در بارهٔ اصلاحات در شیوه وسیستم کار اداری وفنی فکر شود.

اما ما شهروندان در پهلوی انتقادات وظیفه داریم تا در راه بهبود امور با مقامات شهرداری وشعبات ذیربط خدمات شهری کمک نماییم.

به نظر نگارنده اگر در عرصه های ذیل توجه شود، سازنده خواهد بود:

۱- شهرداری کابل سیمیناری را باشرکت شهرداری های پایتخت کشور های همکار با افغانستان در شهر کابل تدویر نماید.

۲- در این سیمینار در دو روز اول نمایندگان واقعی شهر کابل به سیمینار دعوت شوند واین نمایندگان طی دو روز، مشکلات خدمات شهری شهر کابل را به اعضای سیمینار وشهرداری کشورهای کمک کننده ارائه نمایند وطرح های مشخص شان را برای حل این مشکلات درمیان گذارند.

۳- در روز سوم از ساعت ۷ صبح الی ۷ شب نمایندگان شهرداری های کشورهای کمک کننده، به گشت وگذار در مناطق مختلف شهر بپردازند وزندگی مردم این شهر را مشاهده نمایند.

سفر شیخ قرضاوی به لندن درمیان استقبال گرم...



در شهر لندن پایتخت انگلیستان با اشتراک دوصد تن عالم مسلمان همایشی برگزار گردید. این علما که از سراسر جهان به این شهر روی آورده بودند، سازمانی به نام اتحادیهٔ علمای مسلمان را اساسگذاری نمودند.

در این همایش شیخ یوسف قرضاوی نیز اشتراک داشت.

معرفی تمدن اسلامی وسازگاری دین اسلام با جلوه های تمدن کنونی وهمچنان تقویت سیاست گفتگو با دیگر اندیشان و برجسته کردن اعتدال گرایی در دین اسلام از هدف های مهم این سازمان اعلان گردیده است.

عراق از بازی ژئوپولیتیک تا لبهٔ سقوط

آقا حقجو

از لحاظ جغرافیایی، عراق کشوری است که با ایران، ترکیه، سوریه، اردن، عربستان سعودی، کویت، و خلیج فارس هم مرز می باشد.

از لحاظ تاریخ تمدن، کهن ترین تمدن بین النهرین یعنی تمدنهای هزاران سالهٔ سومر، آشور، بابل، گلده و... را دارامی باشد، که به نظر عدهٔ زیادی از خبرگان تمدن شناسی زیربنای تمدن نخستین بشری از این نواحی سرچشمه گرفته ودر سایر جهان گسترش یافته است.

این کشور در زمان خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه به دین اسلام مشرف شد ودر زمان خلافت حضرت علی علیه السلام مرکز خلافت اسلامی گردید. و۹۸ در صد جمعیت آن مسلمان است.

ازلحاظ قداست مذهبی، سرزمین عراق ازاحترامی ویژه در بین مسلمانان جهان برخوردار می باشد، زیرا در این کشور زیارتگاه اکثریت ائمهٔ شیعه مانند حضرت علی، امام حسین، امام موسی، امام محمد تقی، امام علی نقی، امام حسن عسکری علیهم السلام و شهدای کربلا... حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف باقدامت بیش از هزار سال که از مراکز مهم فرهنگی شیعهٔ امامیه است، در آنجا قراردارد. همچنان زیارت امام اعظم نعمان بن ثابت ابوحنیفه (رح) و زیارتگاه شیخ سید عبدالقادر جیلانی (رح) که یکی از اقطاب مهم اهل طریقت یا عرفا ومتصوفان اسلامی به شمار می رود، در این سرزمین قرار دارد.

ازلحاظ اقتصادی این کشور دارای ۱۱۲ میلیارد بشکه پتانسیل نفتی است، که در حقیقت حدود ۱۰ در صداز ذخایرنفت کشف شدهٔ جهان را داراست، وپس از عربستان سعودی دومین کشور دارندهٔ منابع نفتی بوده که عمده ترین ذخایر وسفره های نفتی آن در بصره، مندلی، خانقین وکرکوک می باشد. واز طرفی هم عراق درحوزهٔ هلال خصیب یا هلال پرآب وعلف وحاصلخیز قرار دارد که از لحاظ خرما و کشاورزی قابل توجه می باشد.

از لحاظ ژئوپولیتیک: کشور عراق می تواند وسیلهٔ راه آهن وراه شوسه، کشورهای حاشیهٔ جنوبی خلیج فارس رابه اروپا متصل کند.

همچنین این کشور دارای نیروی انسانی و نظامی بوده واز لحاظ تکنولوژی تا حد دسترسی به سلاحهای کشتار جمعی (شیمیایی ومیکروبی)، موشکهای میان برد ودوربرد وسایر ادوات نظامی حتی تا آستانهٔ دستیابی به سلاح های هسته یی پیش رفته است. از طرفی هم عراق از طریق مرز با اردن در نزدیکی رژیم صهیونیستی اسرائیل قرار دارد، که از لحاظ ژئوپولیتیک می تواند در تنش های اعراب واسرائیل به عنوان وزنه یی مهم در کفهٔ نیروهای خط مقدم جبههٔ اعراب نقش بارزی از خود نشان دهد.

دربازی های سیاسی، سردمداران این کشور قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با اتخاذ سیاست های ضد اسرائیلی ونزدیکی بیشتر با مسکو ومشارکت دادن فعال کمونیستها وملی گرایان چپ در حاکمیت دولت عراق وادعای رهبری در جهان عرب تبدیل به مترسکی در میان کشور های حاشیهٔ خلیج فارس شد. که عامل با جگیری بغداد از شوروی سابق وامریکا وکشورهای حاشیه وتوجیه گر حضور ناوگان های امریکا در حساس ترین شاهراه انتقال انرژی به غرب گردید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وسقوط نظام شاهنشاهی در ایران وحضور مؤثر روسیه در منطقه در روابط با ایران وبازتاب "صدور انقلاب ایران درجهان" این بار رژیم بغداد به عنوان بازیگر جدید به عنوان دژمحکم و سد نفوذ ناپذیر صدور انقلاب اسلامی ایران به کشورهای عربی وحاشیهٔ خلیج، از جانب کشورهای غربی وعربی تقویت گردید. که باج گیری های بزرگ دیکتاتور عراق از این کشورها او را تبدیل به ژاندارم و اژدهای نظامی در منطقه ساخت، وآنان از "صدام"، "صدام" ساختند که مدتی خود در خم وپیچ این دام ها، به دام افتادند

وصدام با اتخاذ سیاست سرکوب در داخل عراق وخشونت در خارج همچنان با بزرگ بینی غیر عقلانی اش نه به تعهدات ومقررات بین المللی پای بند بود، و نه احترام به حقوق همسایگان داشت ونه رحمی بر شهر وندان! و با سود جویی خویش در اقدام علیه دیگران عملاً به یک معضل مهم برای امنیت منطقه وجهان تبدیل گردیده بود

وصدام با اتخاذ سیاست سرکوب در داخل عراق وخشونت در خارج همچنان با بزرگ بینی غیر عقلانی اش نه به تعهدات ومقررات بین المللی پای بند بود، و نه احترام به حقوق همسایگان داشت ونه رحمی بر شهر وندان! و با سود جویی خویش در اقدام علیه دیگران عملاً به یک معضل مهم برای امنیت منطقه وجهان تبدیل گردیده بود.

با زیر پاگذاشتن معاهدهٔ معروف ۶ مارچ ۱۹۷۵ الجزایر که با وساطت هواری بومدین رئیس جمهور وقت الجزایر در رابطه با پذیرش خط تا لوگ درشط العرب بین ایران وعراق منعقد گردیده بود، عامل جنگ خونین ۹ ساله وتباهی این دوکشور اسلامی شد. وبا اشغال وتهاجم نظامی به کویت عامل بی ثباتی منطقه گردید که برون دادهای این دوحادثهٔ بزرگ باعث ایجاد هزاران میلیارد دلار خسارت جنگ مستقیم وغیر مستقیم شد که تبعات بد آن دامنگیرکشورهای منطقه به ویژه خود عراق، گردیده است. از این جهت بعد از تهاجم عراق به کویت ایالات متحدهٔ امریکا صدام را متجاوز ماجراجو، دچار جنون وهتلر دوم قلمداد کرد.

دیپلوماسی تهاجمی امریکا از سقوط حزب بعث تابحران

حذف حکومت بعث عراق در سیاست خارجی امریکا از اگست سال ۱۹۹۰ بعد از زمان تهاجم عراق به کویت از اهمیتی به سزا برخوردار شد، که با سرنگونی رژیم عراق می توانست از یک طرف توسعه طلبی های صدام را مهار کند و روند صلح خاور میانه وحقوق بشر را در این کشور تضمین نماید و از طرف دیگر در تغیرات ژئوپولیتیک وحتی نقشه های سیاسی خاور میانه نشان داد که این فرایند بعد از واقعهٔ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در تداوم سقوط طالبان در افغانستان وبرکناری میلاسویچ در روند مبارزه با تروریسم سرعت بیشتر یافته است. موضع سیاسی احزاب دموکرات وجمهوری خواه وچهره های برجستهٔ کنگرهٔ امریکا، رسانه های جمعی، شخصیت های سیاسی... سیاست کلی امریکا را در قبال ایجاد تحول در عراق وبرکناری وحذف صدام حسین شکل می داد. ابتدا جرج بوش - معروف به بوش پدر- رئیس جمهور پیشین امریکا در سال ۱۹۹۰ به دلیل اشغال کویت توسط عراق، ائتلاف بین المللی علیه عراق را شکل داد. وبه دنبال آن دولت های بیل کلنتون وجرج دبلیوبوش به خاطر نگرانی استفادهٔ رژیم صدام از تسلیحات کشتار جمعی وبیولوژیکی علیه همسایگان ومردم عراق در آینده به مجازاتها وتحریم های اقتصادی، وبازرسی های تسلیحاتی به منظور دست یابی به سلاح های کشتار جمعی، وحمایت از گروه های اپوزیسیون حکومت صدام پرداختند.

از طرف دیگر ایالات متحدهٔ امریکا ومتحدان آن مانند دولت انگلستان سیاست هایی را در قبال عراق در پیش گرفتند که به آن "مجازات های هوشمند" می نامیدند، که هدف عمدهٔ آن پایان دادن به مجازاتها علیه ملت عراق وفشار فزاینده برنظام حاکم آن کشور در بازسازی نیروهای نظامی آن وسقوط صدام می باشد. فشرده یی از جزئیات طرح مجازاتهای هوشمند به قول توفیق ابراهیم (۱۳۸۱،۱۲۴) قرار ذیل است:

۱- اجازهٔ ورود کالاهای غیر نظامی به عراق و ممانعت از ورود ابزار های نظامی به این کشور ،اما موادی که دارای استفادهٔ دوگانهٔ نظامی وغیر نظامی هستند باید برای ورود به عراق از کمیته یی که طبق قطعنامهٔ ۶۴۱ سال ۱۹۹۱ تشکیل شده است ومرکب از دبیر کل سازمان ملل متحد وکمیتهٔ نظارت، تحقیق وبازرسی سازمان ملل می باشد، اجازهٔ ترخیص کسب نموده باشد.

۲- اجازهٔ وارد کردن نفت ومحصولات نفتی عراق به کشور های هم جوار به گونه یی که از ۱۵۰ هزار بشکه در روز تجاوز نکند، در مقابل این کشور ها می توانند معادل واردات نفت، کالاهایی که صدور آن به عراق مجاز است به این کشور ارسال نمایند.

امریکا وانگلستان در ابتدا زمینه های نشست عده یی از جبههٔ مخالفان رژیم صدام را در انگلستان، امریکا ومناطق آزاد عراق مهیا ساختند، تا از اتحاد آنها بتوانند کانون قدرت سیاسی را در عراق تکامل بخشند. اما در این زمینه، ایالات متحده امریکا چندان توفیقی حاصل نکرد

۳- دبیر کل، معیار هایی مشخص برای انتخاب شرکت ها وموسسه های بازرگانی که قادر به خرید نفت و مشتقات نفتی عراق و یاصادر کردن آن به کشور هایی که مرز خاکی با عراق ندارند، وضع می نماید وسپس فهرستی از این شرکت ها را که نفت عراق تنها از طریق آنها به فرو ش خواهد رسید، آرائه خواهد داد.

۴- اجازه دادن دولتهای اردن وتونس برای بازگرداندن هواپیما های عراقی موجود در این کشور ها به بغداد.

۵-اجازه به کلیه کشور هایی که پروازهای غیر نظامی خود را به عراق، طبق شرایط خاصی که مهم ترین آنها بازرسی این پروازها با حضور ناظران وابسته به سازمان ملل متحد می باشد، از سرگیرد.

۶- نظارت دبیر کل به عملیات بازرسی برکالاها وتولیداتی که از طریق دریا وخشکه به عراق صادر می شود، به ویژه از سوی کشورهای همسایه، تابدین ترتیب عدم ورود هرگونه کالاهای غیر مجاز به عراق تضمین گردد.

۷- سهم عراق در بودجهٔ سازمان ملل متحد ومیز گردهایی که در این زمینه وجود داشته است و هزینهٔ بازرسی پروازهای غیر نظامی به عراق توسط حساب خاصی که طبق بند هشتم قطعنامهٔ ۱۹۹۶ صادرهٔ سال ۱۹۹۵ افتتاح گردید است، تأمین خواهد شد.

طرح مجازات های هوشمند که طراح اصلی آن ایالات متحدهٔ امریکا بود. اولین بار در ماه می ۲۰۰۱ توسط انگلستان به شورای امنیت ارائه گردید. اما این طرح با مخالفت هایی از جانب فرانسه، چین بخصوص روسیه مواجه گردید ومنجر به سکوت گذاردن پیشنهاد مجازات های هوشمند در شورای امنیت گردید.

ایالات متحدهٔ امریکا در راستای به اجرا گذاشتن این طرح، ابتدا با مقدمه چینی های حقوقی، سیاسی، امنیتی همگام با وسائل غامض تبلیغاتی روان شناسانه برای از بین بردن نظام سیاسی حاکم برعراق به خصوص شخص صدام در صدد طرح حملهٔ نظامی در شمال وجنوب عراق توأم با حملات هوایی و دریایی با همآهنگی وتقویت از گروههای سیاسی مخالف صدام وحمایت جامعهٔ بین المللی برآمد.

شرایط سیاسی وعملیاتی این مساله از فردای واقعهٔ تاریخی ۱۱ سپتامبر به صورت طبیعی در راستای مبارزهٔ جهانی علیه تروریسم .... مهیاگردید.

امریکا وانگلستان در ابتدا زمینه های نشست عده یی از جبههٔ مخالفان رژیم صدام را در انگلستان، امریکا ومناطق آزاد عراق مهیا ساختند، تا از اتحاد آنها بتوانند کانون قدرت سیاسی را در عراق تکامل بخشند. اما در این زمینه، ایالات متحده امریکا چندان توفیقی حاصل نکرد زیرا گروه های سیاسی ومدعی قدرت در عراق مانند: مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب الدعوه الاسلامیه، فتح الاسلامی (حرکت العلماء المجاهدین فی الدین) منظمه العمل، حرکت المحجرین، ائتلاف ملی عراق، جنبش سلطنتی عراق، جریان میانهٔ دموکراتیک شورای عراق آزاد، حزب کمونیست عراق، کنگرهٔ ملی عراق، حزب دموکرات کردستان عراق، اتحادیهٔ میهنی کردستان عراق، جنبش وفاق ملی عراق، الجیش الاسلامی فی کرد العراق، امت الاسلامیه پاسوک (پارت سوسیالستی کرد) وبقایای کتله الاسلامیه وغیره باداشتن اختلافات فکری ووابستگی های مختلف بیرونی وداشتن منافع متضاد وخوگرفتن به فرهنگ های مختلف سیاسی وعدم ارتباط مداوم با یکدگر نمی توانستند به صورت آنی در چند جلسهٔ سیاسی فرمایشی قادر به تنظیم وسازماندهی در عقلایی کردن حوزهٔ سیاست وقدرت در عراق شوند، با توجه به این که عده یی زیاد از این گروه ها در مشارکت سیاسی تحت نظر امریکا در نشست جبههٔ مخالفان صدام حضور نداشتند این مساله زمینه ساز وبستری برای بحران در عراق گردید.

ادامه دارد

ابهاماتی در مورد دورهٔ انتقال ...

– که بایست توسط مراجع ذیصلاح به آن پاسخ داده شود:

۱– در مورد حکم مادهٔ ۱۶۰ باید گفت که یا کوشش همه جانبه صورت نگرفته و یا به نتیجه نرسیده است که در هر دو صورت منتج به تأخیر انتخابات گردیده است.

۲– دورهٔ انتقال طبق مادهٔ ۱۵۹ قانون اساسی عبارت است از«مدت بعد از انفاذ قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی» همچنین در قوانین اساسی سال های ۱۳۴۳ و۱۳۵۵ نیز طی مواد ۱۲۳و۱۲۵ به همین گونه تعریف گردیده است ولی با این تفاوت که طبق حکم مادهٔ ۱۲۳ قانون اساسی داوود خان با نفاذ قانون مذکور، رئیس جمهور فرمان انحلال حکومت را صادر می کرد وحکومت جدید برطبق روحیهٔ قانون جدید تشکیل می گردید. ولی با نفاذ قانون اساسی رئیس دولت انتقالی، فرمان انحلال حکومت موجود وتشکیل حکومت جدید را صادر نکرده است!

۳– از«دولت انتقالی» تاهنوز که بیش از دوسال از عمر آن می گذرد وحد اقل ده ماه دیگر نیز طول خواهد کشید تعریفی ارائه نگردیده است!

دولت انتقالی یعنی چه؟ وچنین بر می آید که انتقال از ادارهٔ مؤقت به دورهٔ انتقال!!

۴– قانون اساسی جدید از تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۸۲ نافذ وبه تاریخ ۶ دلو ۱۳۸۲ به توشیح رئیس دولت انتقالی رسیده است وطبق حکم مادهٔ اول آن«افغانستان دولت جمهوری اسلامی...» است ولی باگذشت بیش از شش ماه از نفاذ این قانون، هنوز نام دولت ما«دولت انتقالی» است!!

و روشن نیست که چه زمانی به«دولت جمهوری اسلامی» تغییر نام خواهد داد؟!! بعضی ها گمان می کنند که با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری وانتخاب رئیس جمهور، وبه کارگیری واژهٔ«رئیس جمهور» نام دولت نیز به «جمهوری اسلامی» تغییر خواهد یافت!

ولی مادهٔ ۱۵۹ قانون اساسی به صراحت نام دولت را در دورهٔ انتقال «دولت انتقالی اسلامی افغانستان» می داند و وظایفی را برای آن مشخص کرده است.

بدین ترتیب ما ناگزیر خواهیم بود که حتی بعد از انتخاب رئیس جمهور کشور، او را رئیس جمهور دولت انتقالی بخوانیم!!

۵– انتخابات ریاست جمهوری در دورهٔ انتقال برگزار می گردد و در این انتخابات یا آقای کرزی رئیس دولت انتقالی، و یا فرد دیگری برنده خواهد شد. در صورتی که آقای کرزی به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد:

آیا کابینهٔ موجود را حفظ خواهد کرد ویا کابینهٔ جدید را تشکیل خواهد داد؟

در صورت دوام کار حکومت–ویا اکثر اعضای آن– که از دوران ادارهٔ مؤقت به اینسو مشغول کارند، وتا تشکیل پارلمان نیز به جای خود خواهند بود وحتی احتمال دارد که به ولسی جرگه نیز جهت تأیید معرفی گردند و... و یا تشکیل حکومت جدید با ترکیب جدید، جداً نیازمند ودریافت برگهٔ مشروعیت می باشد. به همین ترتیب هرگاه فرد دیگری به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد، در آن صورت نیز رئیس جمهور جدید ناگزیر است تا برای کابینهٔ خویش کسب مشروعیت نماید ولی معلوم نیست که در هر دو صورت یاد شده، ایشان به کدام بند، کدام موافقت نامه ویا مواد کدام قانون استناد خواهند نمود.

مشکل مواد مخدریک معضلهٔ جهانی است. تأثیر این مشکل به گونه یی تازه وغیر قابل حل، در روند حاکمیت ملی وحتی در امنیت کشورما انعکاس یافته است. تولید، خرید، انتقال، ذخیره وفروش ومصرف مواد مخدر اخلاق، صحت، دین ، زندگی سیاسی، اقتصادی ، وارزش های قانون اساسی وهمچنان ارزشهای جمهوری و هویت ملی مارا لطمه می زند.

ازمایشگاه های ساخت هروئین توسط استیک اندرید ویا استک انها یدریدپرداخته ومقدار قابل ملاخطهٔ آن را به خارج صادر می کنند . پاکستان زیر پوشش دفاعی ارتش، نیز ازمایشگاه هایی را تأسیس کرده است. بهترین هروئین در کنار ساحل مدیترانه تولید می شود.

۲– آیا واقعاً باید بپذیریم که در جهان امروز با وجود روش های بسیار دقیق بازبینی، خاصتاً کشف ماهواره

است. هشتاد در صدمردم در این شغل کار می کنند بنا بران تطبیق برنامه های زراعتی به خاطر خود کفایی برای همیشه از اولویت برخوردار است. بر علاوه تهیهٔ مواد خوراکی وپوشاک برای مردم، مواد خام برای صنایع واقلام درشت برای صادرات نیز متکی به زراعت است.

بعد از بیست وشش سال در به دری وبیچارگی ، همین حالا در سراسر مملکت کمبود مواد خوراکی

جلال گردیزی

راه های مبارزه با مواد مخدر در افغانستان

دولت انتقالی از دوسال به این طرف در کنفرانس ها ومجالس واز طریق روزنامه ها، رادیو، تلویزیون وغیره منابع خبری از مبارزه علیه مواد مخدر حرف می زند. در گذشته دولت به زارعان کوکنار، دوصدوپنجا دلار امریکایی در بدل تخریب کشت کوکنار جریب می پرداخت. بعداً ماموران زراعت به دهاقین مشوره دادند تا به عوض کوکنار زعفران ویا چای کشت کنند.

گفته می شود که در زمان طالبان ۱۳٪ تریاک جهان در افغانستان تولید می شد. وامروز ۷۷٪ مواد مخدر جهان درکشور ما تولید می شود، عده یی براین باورند که دولت نمی تواند یک موضع قاطع علیه کشت خشخاش اتخاذ کند ویا می گویند کشت تریاک در سیاست خام دولت گره خورده وحتی دولت نمی خواهد تا زمان ختم انتخابات ریاست جمهوری بازارعان کوکنار به خشونت رفتار کند.

اگر اقداماتی هم روی دست گرفته شود برای آن است تامردم تصور کنند که دولت در مبارزه با مواد مخدر فعالیت خستگی ناپذیر دارد.

در این جا از دوعامل عمدهٔ بیرون مرزی ودرون مرزی نام می بریم که در جلوگیری از تولید تریاک وهروئین به تدریج تأ ثیر خواهد گذاشت.

عوامل برون مرزی: همه می دانیم که مملکت ما درشرایط بد تاریخی قرار دارد. ملت افغانستان بی دفاع است، اما ملت سر افراز است. دولت افغانستان به دفاع از حقوق ملت خود باید این جرأت سیاسی را داشته باشد تا ابر قدرت هارا در زمینهٔ تولید وقاچاق مواد مخدر که مستقیم وغیر مستقیم عامل اصلی خود آنها هستند، متوجه بسازد.

قرار یادداشت دکتر جان کولمن اعضای پیشین M۱۶ سازمان جاسوسی بریتانیا که سرنخ برخی رخدادهای دنیا از آن جمله قاچاق مواد مخدر را در دست خود دارد، تریاک خام منطقهٔ مثلث طلایی، برای تصفیه در آزمایشگاه هایی که در حاشیهٔ ساحلی فرانسه از بندرمارسی تا مونتی کارلوگسترده شده است، به مافیای شیشل وفرانسه تحویل داده می شود. در چارسال گذشته لبنان و ترکیه به ایجاد یی که در اختیار مجریان قانون درکشورهای باقدرت قرار دارد، امکان متوقف ساختن این تجارت مرگ آفرین وجود ندارد؟ چرا ماموران مجری قانون پس ازکشف یکی ازاین ازمایشگاه ها، آن را تخریب نمی کنند؟ با این حال چگونه آنها تقاضای محوکامل کشت خاشخاش را از مردم افغانستان می خواهند، که در حقیقت خود آنها بانی این مشکل در کشور ماشده اند. در گام نخست باید تولید استیک اندرید که در کشورهای مکسیکو ، کولمبیا،و امریکای جنوبی ، اضلاع متحده، وکشورهای اروپای غربی خاصتا فرانسه، انگلیس که اصلی ترین عنصر ساخت هروئین از تریاک خام است قطع گردد ، پس از آن ، دنبال کردن دیگر کوششهادر این زمینه به آسانی امکان پذیراست.

۴– راه حلهای بالا را نباید سهل پنداشت. زیرا قاچاق مواد مخدر تجارت ده ها میلیارد دلاری است، واین تجارت بزرگ معمولاً به دست خانواده های متنفذ وغنی اروپا و امریکا صورت می گیرد این خانواده ها هرگز به چنین کاری اعتراف نمی کنند.آنها برای انجام این کار همیش، از افرادی دیگر استفاده نموده و آنهارا درجبههٔ مقدم فعالیت قرار می دهند.

گفته می شود که در زمان طالبان ۱۳٪ تریاک جهان در افغانستان تولید می شد. وامروز ۷۷٪ مواد مخدر جهان درکشور ما تولید می شود، عده یی براین باورند که دولت نمی تواند یک موضع قاطع علیه کشت خشخاش اتخاذ کند

۵– برای تحویل در آمدهای حاصل از فروش مواد مخدر، بانک ها وشرکت های خاص فعالیت می کنند و زمینه های این نقل وانتقال را به آسانی فراهم می سازند.

عوامل درون مرزی

الف: قبل از آن که در مورد یک پیشنهاد قسماً همه جانبه برای مبارزه با کشت کوکنار در داخل کشور بحث کنیم، لازم است مختصر نگاهی به مسألهٔ زراعت بیندازیم زراعت نخستین ومهم ترین وسیلهٔ زندگانی

وبلند رفتن قیمت ها به یک مشکل عمده تبدیل گردیده است. وطور روزمره هزاران خانواده زیر خط سیاه فقر می روند اگر به مسأله تهیه غذا برای مردم باتوجه به عودت بیشتر ازسه میلیون مهاجر از خارج علاقه داشته باشیم قبل از موارد دیگر مانند، راه سازی ، شهر سازی ، واحداث منابع گاز، اولویت را به زراعت خواهیم داد. که در این صورت نیازی به کشت خشخاش احساس نخواهدشد. برای عملی ساختن پلان زراعتی، احداث پروژه های آبیاری اهمیت فراوان دارد.

ب: ایجاد وحدت میان مردم واصلاحات اداری: نکتهٔ مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که وحدت فکری مردم افغانستان در رأس همهٔ مسائل قرار داشته، وبزرگ ترین سلاح ونیرو برای مبارزه باهر نوع فساد، بی ثباتی، زورگویی، اختلاف وتفرقه ، خیانت وجنایت، عقب ماندگی وتولید مواد مخدر است. در پهلوی آن باید تشکیلات مؤثر وباکیفت درمرکز وولایات باداشتن قدرت مدیریت درتمام ساحات حیاتی خاصتاً مبارزه با مواد مخدر به جود آیداشخاص مسلکی ، روشنفکر با تجربه ومعتقد به دین اسلام تعیین گردند.

ج: تطبیق قانون اساسی: امروز افغانستان دارای قانون اساسی است. واین قانون اساسی به شدت تولید تریاک وکشت خاشخاش وسایر مواد نشه آور رامنع قرار داده است. اما نمی دانیم که دولت چرا در جلوگیری این مواد مهلک که به حیثیت مملکت در سطح جهان لطمه وارد می کند اقدام جدی نمی کند پاسخ این پرسش ها هارا به دولت محول می کنم تا به ملت جواب قناعت بخش وآگاهانه ارائه فرمایید!!

تبلیغ وآگاهی:– تبلیغ در مورد منع تولید مواد مخدر نهایت ناچیز بوده اکثریت مردم افغانستان دربارهٔ اضرار مواد مخدر وعواقب آن آگاهی ندارند. آنچه که مردم دراین زمینه می گویند درآمد کشت تریاک است. تا حال دیده نشده که وزارت صحت عامهٔ افغانستان ویا متخصصان طبی در مورد مواد مخدر ونباتات

ص۸

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارهٔ پانزدهم چهارشنبه ۲۴ سرطان ۱۳۸۳ ۲۷ جمادی الاول ۱۴۲۵ – 14 July 2004

دادگاه لاهه به چیدن دیوار استبداد رأی داد

دادگاه بین المللی لاهه بعد از پنج ماه واندی مطالعه وبررسی، در هفتهٔ روان طی یک کنفرانس مطبوعاتی رأی تاریخی خویش را مبنی بر غیر قانونی بودن دیوار حایل میان فلسطینی ها واسرائیلی ها اعلان نمود و خواهان ویران سازی عاجل این دیوار گردید.

این دادگاه پانزده عضو دارد که چهارده تن آن به غیر قانونی بودن دیوار رأی دادند وتنها یک قاضی که از امریکا می باشد با این طرح رأی مخالف داده است.

از سوی دیگر رأی دادگاه بین المللی لاهه علیه سیاست اسرائیل در ایجاد دیوارهای امنیتی با انتقاد امریکا مواجه شده است.

به اساس اکثریت آرای قضات، ایجاد دیوار در سرزمین های فلسطینی غیر قانونی است.

در قوانین بین المللی، تغییر در اراضی اشغالی توسط دولت اشغال کننده که باعث تغییر در شرایط این اراضی یا احتمال جدایی یا انضمام بخشی از آن به خاک کشور دیگر شود، غیر قانونی است.

قضات دادگاه بین المللی لاهه دلیل ایجاد دیوار به خاطر حفظ امنیت را که از جانب حکومت اسرائیل عنوان شده است، ناموجه خوانده اند.

در رأی دادگاه آمده است که حکومت اسرائیل باید به صاحبان اراضی که زمین های شان به خاطر ایجاد دیوار مصادره شده وکسانی که از بابت اعمار دیوار خساره مند گردیده اند غرامت بپردازد.

درحکم دادگاه آمده است تمام کشورها باید مطابق قانون از شناسایی این دیوار خودداری ورزیدند و براسرائیل فشار وارد کنند که این حکم را اجرا نماید.

محکمهٔ لاهه به سازمان ملل توصیه کرده است که اقدامات ضروری دیگر در این زمینه را بررسی کند.

امکان دارد براساس این رأی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد برخلاف شورای امنیت نیز قطعنامه یی مشابه را تصویب نماید ولی آنهم دارای قدرت اجرایی نیست. حتی قطعنامه های شورای امنیت در رابطه به اسرائیل که ویتو می شود، اصلاً از سوی امریکا ویا اسرائیل قدرت اجرایی ندارد.

صدور این حکم به منزلهٔ یک پیروزی معنوی برای فلسطینیان وشکست شرم آور برای اسرائیل وامریکاست.

صدراعظم اسرائیل حکم دادگاه بین المللی لاهه را رد نموده وبه افراد خویش هدایت داده است که در اعمار دیوار از سرعت وقدرت بیشتر کار گیرند.

همان گونه که گفته شد این حکم پیروزی برای فلسطینی هاست اما ایشان توقع داشتند که چنین حکمی نیز از شورای امنیت صادر نخواهد شد. چون در عمل امریکا تمام قطعنامه هایی را که علیه اسرائیل می باشد رد می نماید.

کنفرانس لندن و دفاع از حجاب



قرار گزارش های خبری بیش از دو صد نماینده از چهار ده کشور جهان غرض دفاع از حقوق دختران و زنان مسلمان برای پوشیدن حجاب در لندن گرد هم آمدند. گفته می شود این اقدام در عکس العمل بر ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه های کشور های آلمان و فرانسه به عمل آمده است که مقامات این دو کشور بر دختران و زنان مسلمان وضع نموده اند.

سخنرانان در این کنفرانس از حق مشروع مسلمانان برای پوشش حجاب اسلامی دفاع نموده و وضع قانون ممنوعیت حجاب بر دختران و زنان مسلمان را غیر قانونی و ناقض حقوق بشر و مذهبی دانستند.

یکی از دانشمندان معروف جهان اسلام دکتر یوسف قرضاوی که دانشمندی صاحب نظر و با صلاحیت در عرصهٔ دین پژوهی، شناخته شده است، هنگام سخنرانی در این کنفرانس دولت فرانسه را مخاطب قرار داده گفت: ممنوعیت حجاب برای دانش آموزان مسلمان را هر چه زود تر لغو نماید.

زنان و دختران شرکت کننده در این کنفرانس تأکید نمودند و گفتند: پوشش حجاب هیچ گونه مانع و مشکل نداشته بر عکس سبب افزایش عزت و احترام نسبت به دختران و زنان مسلمان می گردد.

راه های مبارزه با مواد مخدر ...

نشه آور که باعث بیماری وبالاخره هلاکت هزاران انسان می شود،کوچک ترین تبلیغ نکرده است، و علمای دینی هم در این زمینه اقدامی نفرموده اند.

هـ مبارزهٔ مشترک: – کمسیون مشترک از دولت های منطقه یعنی افغانستان ، چین، پاکستان، ایران ، وپنج کشور آسیای میانه جهت مبارزه با تولید وقاچاق مخدرات تشکیل گردد. در این مبارزهٔ مشترک جاده یی دوطرفه را باید در نظر داشت ، مبارزه با تجارت استیک هایدرید ویااستیک انهایدرید که از اروپا وامریکا به کشور های منطقه وارد می گردد، انجام یابد تا قاچاق چیان این مواد که در ساختن هروئین در ازمایشگاه ها ولابراتوارها از آن کار می گیرند وکار اشخاصی که تخم های اصلاح شده کوکنار را از فارم های تحقیقاتی غرب تهیه وبه دسترس زارعان کوکنار می گذارند، مورد توجه قرارگیرد و هروئین ویا مواد خام تریاک که به اروپا وامریکا منتقل می شود تعقیب و به صورت کامل محو شود .

دسپین بولدك په ولسوالي او دهلمند پر امنيتي پوستې بريدونه

دخبري سرچينو په وينا پنخوس وسله والو پريوي امنيتي پوستي سربيره دکندهار ولايت دسپين بولدك پرولسوالۍ بريد وکړ. بريد کوونکي د دولتي عسکروله مقاومت سره مخامخ شول، چي په نتيجه کي ئي دري تنه مخالفين ووژل شول. همدا راز په يوبل بريد کي چي په ګاونډي ولايت هلمند کي پريوي امنيتي پوستي تر سره شوي و، دولتي عسکرو وژل شو او دوه تنه نور ټپيان شول. ديوه بل خبر له مخي دکندهار دميوند په ولسوالۍ کي دشپي لخوا ديوه ښوونځي په خالي صنف کي يو بم وچاوديد او ښوونځي ته ئي تاوان ورساوه ديادوني وړده چي يادي شوي سيمي په دي وروستيو کي د دولتي او بشري مرستو کارکونکيو لپاره له خطر نه خالي نه دي.

په کندهار کي دميانشين ولسوالي وداني وسوزول شوه

خبري سرچينو په وينا دکندهار ولايت دميانشين ولسوالۍ په وداني باندي ديوه بريد په ترڅ کي دنوموړي ولسوالۍ ولسوال او دامنيي قوماندان وژل شوي او د ولسوالۍ وداني ته او راچول شوي دي.

بلخوا دغزني ولايت دامنيي پرقوماندان دناملومو وسله والو لخوا ديوه بريد له امله دي او دده يو ساتونکي وژل شوي دي.

ديادوني وړ ده چي طالب جنګيالو ګوابښ کړي و چي د راي ورکولو دکارتونو داخيستلو او دټول ټاکنو بهير به له خنډه سره مخامخ کړي.

دهيواد د دولسو ولايتونو خلك دځښلو اوبه نلري

پامير

وائي چي دتيري دوشنبي په ورځ د وزيرانو په عالي غونډه کي د زابل، غور، ارزګان، کندهار، هلمند، فراه، نيمروز، هرات، غزني، پکتيا او خوست ولايتونو کي د وچکالۍ د اغيزو په باب يو شمير اړوند وزارتونو دخپلي څيړني نتيجي وړاندي کړي او يو شمير دغو وزارتو ته دنده وسپارل شوه چي دبشري مرستو په برابرولو او د ژورو څاه ګانو دکيندلو په برخه کي لازم اقدام وکړي.

ددغه راز خبر په اوريدو سره هر سړي دخواشينۍ په څپو کي لاهو کيږي او دائي فکرته راځي چي دافغانستان دانتقالي اسلامي دولت کارکوونکي ايله په ايله اوس ددغو دولسو ولايتونو دوچکالۍ له ناوړو اغيزو څخه خبر شول.

مونږ په تيرو وختونو کي دهيواد او بهرنيو راډيو ګانو له لاري څو څو ځله واوريدل چي په څينو ولايتونو کي حتي زمونږ هيوادوال دڅښلو اوبه نه لري او دخپل ضرورت وړ اوبه، يا له ډيرو لرو واټنونو څخه، په اوږو او يا دخاربو پر شا راوړي او يا ئي له کومي نژدي سيمي څخه په بيه اخلي. خو دافسوس ځاي دادي چي کابينه بيا دوه نيم کاله وروسته ددغي حياتي مسالي په باب غونډه کوي او يواځي تصميم نيسي نه عملي اقدام.

مونږ نن وينو چي زمونږ دهيواد کليو او بانډو ته يواځي دهمدغه راز ستونزو دموجوديت له امله مهاجر نه ځي، تا سو خپله ووايئاست، په يوه کلي او بانډه کي چي، دڅښلو اوبه نه وي، روغتيائي کلينيک او ښوونځي نه وي، دځمکو دخړوبولو له پاره داوبو لګلولو ټول سيستمونه خراب وي، پلونه او سړکونه نه وي نو داسي کليو او بانډو ته به خپل کډوال څنګه ستا نه شي؟

که پروسږکال دپيسو دکموالي او دانجوګانو دنا اغيزمنتيا مسئله وه سږکال خو بيا يواځي ديو کال له پاره څلور نيم مليارده ډالر اختصاص شوي او داقتصاد، کورني سرچيني هم څه ناڅه مرکزي شوي دي، خو بيا هم دهيواد لريو پرتو سيمو، کليو او بانډوته، لازمه پاملرنه نه ده شوي او دادي نيمائي افغانستان داوبو دنشتوالي، او په خاص ډول دڅښلو داوبو له زيات کمبود سره مخامخ دي. حال دا چي زمونږ زياتره چارواکي بيا د نل په اوبو هم کبر کوي او دخپل ضرورت وړ معدني اوبه له بهرنه راغواړي، چي دغه حالت دهيواد دعامه اوسيدونکو له پاره د زغم وړنه دي او هغوي له څه کم دريو کالو راپدي خوا له خپل دولت څخه دڅښلو عادي اوبه غواړي خو څوک نشته چي دهغوي دغه عادي او ډيره ضروري حياتي ارتيا لري کړي.

زمونږ هيله داده چي افغانستان خپله کلني بودجه او يا دځينو خيريه موسسو بشري مرستي يواځي په مرکز کي ونه لګوي، بايد په مرکز او لري پرتو سيمو کي، دانډوليزي پرمختيا امکانات برابر شي. ترڅو زمونږ کليوال خلک له دغه راز بي شميره ستونزو څخه وژغورل شي. او هم کډوال په ډاډه زړه، خپلو پلرنيو کليوته لاړ شي او خپل بوج او بار له ښارونو څخه کم کړي.

مونږ پوهيږو چي نن يواځي په کابل ښار کي چي دنيم مليون نفوسو ځاي لري، څه ناڅه دري مليونه انسانان ژوند کوي او علت ئي هم دکليو او بانډو بيا رغاونې ته دپاملرني کموالي او دچارواکيو بي توجهي ده.

هيله من يوو چي د وزيرانو دعالي شورا دغونډي وروستۍ پريکړي، چي دهيواد ۱۲ ولايتونو ته بايد بشري مرستي ورسول شي او دڅښلو د روغتيائي اوبو له پاره، ژورته ژور څاه ګان وکيندل شي يواځي ديوي پريکړي او مصوبي په توګه پاتي نه شي، بلکي دعمل جامه واغوندي او زمونږ ځوريدلي خلک چي له لسګونو نورو ستونزو سره لاس او ګريوان دي داوبو دنشتوالي له تکليف نه وژغوري.